

## جامعه شناسی آموزش و پرورش

فهرست مطالب:

نگاه اجمالی

آموزش و پرورش در جامعه ابتدایی

آموزش و پرورش در جامعه جدید

تأثیر پیدایی و تکامل خط و نوشتار بر آموزش و پرورش

آموزش و پرورش ؛ یکی از مهمترین آژانسهای اجتماعی شدن

اجتماعی شدن در نظریه های عوامل گرا و تفسیر گرا:

منابع

## جامعه شناسی آموزش و پرورش

### نگاه اجمالی

استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانشها و مهارتهای آن به نسلهای جدید منتقل شود. ساخت و کار (mechanism) یا وسیله این انتقال، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه پذیری است، یعنی، فراگردی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و بطور کلی، فرهنگ جامعه خود می‌پردازند.

به معنی اخص، فراگردی است که افراد به واسطه آن در وضعیتهای اجتماعی سازمان یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارتها، رفتارها و گرایشهای معین قرار می‌گیرند. در هر جامعه، این وضعیتها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمانهای رسمی آن تشکیل می‌یابند.

### آموزش و پرورش در جامعه ابتدایی

در جامعه ساده ابتدایی، آموزش و پرورش هدف و منظور آگاهانه‌ای نداشت. هر فرد پس از تولید، به تدریج، طی مراحل مختلف زندگی، متناسب با سن و موقعیت اجتماعی خویش سازگارهای لازم با محیط اجتماعی را فرا گرفته، از طریق یادگیری موازین اجتماعی و الگوهای رفتاری، طی ترتیبی به زندگی بزرگسالی راه می‌یافت، مثلاً در امر گردآوری خوراک، یافتن جانوران زخمی یا جمع آوری میوه‌ها و ریشه‌های خوردنی گیاهان، نوجوان، با پدر همراهی کرده راه و رسم کار را یاد می‌گرفت. از اینرو، کسب آمادگی برای انجام دادن فعالیتهای روزمره زندگی، هدف آموزشی یا پرورشی آگاهانه‌ای نداشت.

پیچیدگی روزافزون زندگی اجتماعی ، موجب تنوع و کثرت تقسیم کار اجتماعی گردید. در این شرایط ، هر مرحله از گردش کار در جامعه ، کسب مهارتهایی کم و بیش متناسب با نوع و کیفیت کار را الزامی می ساخت، زیرا که اعضای جامعه قادر نبودند بدون آموختن مهارتهای لازم ، کارها و وظایف خود را انجام دهند. انباشت تدریجی دانشها ، مهارتها و فنون کار و زندگی اجتماعی ، اندیشه حفظ و انتقال این دستاوردها را پدید آورد . بنابراین ، از هنگامی که انسان با قصدی آگاهانه ، وسایل آموزش و یادگیری فرزندان خود را فراهم ساخت، آموزش و پرورش رسمی پدید آمد و شکل آن آغاز شد .

### آموزش و پرورش در جامعه جدید

در جوامع جدید ، مفهوم آموزش و پرورش و کارکردهای آن دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. نیازهای گوناگون زندگی ، انواع نوین آموزش و پرورش را طلب می کنند. شیوه های زندگی از نسلی به نسلی ، تجدید شکل پیدا می کنند . ولی این تجدید شکل ، همواره با تجارب بیشتر و انگاره های پیچیده تری همراه است .

در جامعه پیچیده متمدن ، با گسترش شهرنشینی ، توسعه صنعتی ، دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی ، عواملی مثل خانواده که در گذشته بار تعهدات تربیتی را عهده دار بودند، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای وظایف پیچیده آموزشی و پرورشی ندارند. با پیچیده تر شدن جامعه ، آموزش و پرورش بطور روزافزونی ، به صورت ابزار بازسازی فرد و جامعه در می آید . در نتیجه ، شهروندانی که خواستار اشتغال به کار و خدمت در جامعه و خواهان برخورداری از مزایای زندگی اجتماعی می باشند، مجبورند سالیان نسبتاً قابل ملاحظه ای از عمر خود را در مراکز آموزش و پرورش رسمی بگذرانند .

## تأثیر پیدایی و تکامل خط و نوشتار بر آموزش و پرورش

زندگی گروهی مستلزم همکاری است. در فراگرد تکامل اجتماعی، ضرورت همکاری، انسان را به ایجاد یا یافتن وسایلی برای هماهنگ سازی فعالیتهای گروهی وادار ساخت. از این راه، ابتدا اشکال اولیه زبان گفتاری پدید آمد و با پیشرفت مکانیسمهای گفتار و افزایش قدرت ارتباطی زبان، انتقال مفاهیم و معانی عالیترا از فردی به فردی میسر شد.

اختراع خط و نوشتار، این جریان را دوچندان آسان و اثربخش ساخت، امر آموزش و پرورش را بسیار تحت تأثیر قرار داد و در نهایت به پیدایش مراکز آموزشی انجامید. با توجه به اینکه نوع و میزان پیشرفت وسایل ارتباطی، در تعیین وسعت و اندازه هر گروه قطعاً مؤثر است، از اینرو، می توان نقش زبان را در توسعه و تکامل جامعه بشری، به درستی، نقش اساسی دانست.

## آموزش و پرورش؛ یکی از مهمترین آژانسهای اجتماعی شدن

... و انسان، درون جامعه متولد می شود. نخستین نهادی که انسان در بدو تولد درون آن چشم می گشاید، خانواده است. همان خانواده ای که کدهای اولیه ی شناخت را به انسان می دهد و او را برای ورود به جامعه آماده می کند. خانواده می تواند مطابق تعاریف رسمی و منطبق براین تعاریف یک گروه اجتماعی متشکل از یک مرد در جایگاه پدر و یک زن در جایگاه مادر و چند فرزند دیگر آنها باشد، می تواند تنها از یکی از این عوامل؛ پدر یا مادری پدر خوانده یا مادر خوانده یا هر انسان دیگری در این نقش تشکیل شده باشد. حتی می تواند جمعی بزرگتر مانند یک شیرخوارگاه یا یتیم خانه را شامل شود و متأسفانه در جامعه ی انسانی مدرن مانند برخی کشورهای غربی حتی می تواند متشکل از یک زوج هم جنس باشد. در هر صورت مادر و پدر یا کسانی در نقش آنها، اولین جمعی است که

یاریگر نوزاد یا Newborn در گرفتن نخستین کدهای شناختی و کسب معرفت می باشد، درگام دوم در مسیر اجتماعی شدن، آژانسهای مختلفی پس از خانواده ایفای نقش می کنند. اما هریک از این آژانسها می توانند مسیرهای مختلفی را به کودک آموزش دهند که ناشی از فرهنگ آژانس موثر بر شناخت کودک است و می تواند نشئت گرفته از فرهنگ جامعه، خرده فرهنگ ها و حتی وضعیت خاص روانی یک شخص باشد و بنابراین این آژانسها می توانند مسیرهای گوناگون و گاه متعارض و متضادی را به کودک القا کنند که در نهایت معرفت کسب شده توسط کودک می تواند از انطباق کامل با فرهنگ جامعه تا ضدیت با فرهنگ غالب، متغیر باشد. نخستین آژانسی که از سوی جامعه و با هدف اجتماعی کردن کودک ایجاد و وارد عمل می شود، مدرسه یا نهاد رسمی آموزش و پرورش است. نباید از یاد برد که هدف آموزش علوم یا آمادگی کودک برای علم آموزی و بعهدہ گرفتن مشاغل تخصصی در آینده و شرکت در نظام تقسیم کار، هدف ثانویه ی مدرسه خصوصاً در مدارس ابتدایی است و هدف اصلی این نهاد همان اجتماعی کردن یا آماده ساختن کودک برای حضور در جامعه و درک به موقع و هماهنگی ساختنها، کارکردها و فرهنگ جامعه جهت نشان دادن عملکرد معقول اعم از واکنشها، رفتار یا کنش، در جهت رفع نیازها و رسیدن به اهداف جمعی است. مرور اجمالی آنچه اصول جامعه شناختی نام می گیرد، این هدف اصلی و اساسی نهاد مدرسه را روشن تر میکند. در این مقاله، نخست به اجتماعی شدن و آژانسهای آن از دیدگاه مکاتب مختلف و نقش نهاد آموزش و پرورش و مدارس در سطوح مختلف خواهیم پرداخت. پس از آن نگاهی خواهیم داشت به اصول جامعه شناختی، همچنین به فلسفه ی شناخت یا معرفت شناختی اجتماعی برای بیان آنچه باید این نهاد به آن مجهز باشد تا بتواند بطور موثرتر و کارآمدتر نقش خود را به عنوان مهمترین آژانس اجتماعی کننده ایفا کند. توجه به وظایف نهادها و آژانسهای اجتماعی کننده دیگر در جامعه ی انسانی و وجوب هماهنگی با آژانس آموزش و پرورش و بخصوص نهاد مدرسه در اجتماعی کردن کودک

به عنوان عضو جدیدالورود به جامعه بخش دیگری از این نوشتار را تشکیل خواهد داد .

## اجتماعی شدن :

Mayer F . Nimkoff در فرهنگ علوم اجتماعی، اجتماعی شدن یا Socialization را

چنین توصیف می کند : « A : مراد از اجتماعی شدن در روانشناسی اجتماعی فرایندی است که به وسیله

ی آن یک فرد می آموزد که از طریق فراگرفتن رفتاری اجتماعی که مورد تایید گروه باشد ، خود را با

آن گروه انطباق دهد . B : اصطلاح اجتماعی شدن را در اصل روانشناسان اجتماعی ، جامعه شناسان و

پژوهندگان رشد کودک به کار برده اند : « همه ی کودکانی که استعدادهایشان ... زیاد محدود نیست

در برهم کنش اجتماعی شرکت می جویند و سرانجام رفتارهای اجتماعی کسب می کنند . فرایندی ...

که به اجتماعی شدن معروف است ... در اصل فرایندی مربوط به یادگیری است . » در این تعریف که

از نیوکم است ، اجتماعی شدن فردی تا حدی با یادگیری اجتماعی مساوی انگاشته شده است . بنابر

تعریفهای دیگر مراد از اجتماعی شدن تقریباً " آن یادگیری است که با تصویب گروهی سروکار دارد .

C : تفاوتهای موجود در مفهوم اصطلاح اجتماعی شدن تا حد سازوکارهایی که اجتماعی شدن از

طریق آنها حاصل می شود نیز گسترده است . تالکوت پارسونز و رالف بیلز ، پس از یادآوری این نکته

که « کانون اصلی فرایند اجتماعی شدن در فرایند نهادی شدن فرهنگ جامعه ای است که کودک در

آن متولد می شود » اشاره می کنند که جنبه های قاطع فرهنگ برای این منظور الگوهای ارزش جامعه

اند و شرایط موثر برای اجتماعی شدن « قرار گرفتن در وضعی اجتماعی است که خود اشخاص

قدرتمندتر و مسئول تر در نظام ارزش فرهنگی مورد بحث در آن ادغام می شوند ، هم از این لحاظ که

همراه بچه ها نظام اجتماعی نهادی شده ای را تشکیل می دهند و هم از این نظر که الگوها قبلاً " به شیوه

ای مناسب در شخصیت خود آنها نهادی شده است . » پارسونز و بیلز همچنین عقیده دارند که اجتماعی

شدن متضمن ایجاد تناوب در تفکیک و ادغام نقشهاست. از دیدگاه فرویدی - که پارسونز و بیلز آن را با نظریه ی خود در مورد کنش اجتماعی و نظامهای اجتماعی سازگار کرده اند - اجتماعی شدن فرایندی است که برطبق آن کودک هنجارهای والدین را در خود نهادی می کند و یک فراخود بدست می آورد. گفته می شود که این امر از طریق ساز و کارهای نیروگذار روانی و ارزشیاب و شناختی روی می دهد. اولی مشتمل است بر تقویت و خاموشی که بر پاداش و کیفر مبتنی است. دومی متضمن تقلید و یکسان شدن است، که بر پایه ی احساس احترام و احساس عشق استوار است. پیروان نظریه ی هممنقشی نمادین بر نقش سخن گفتن در فرایند اجتماعی شدن تاکید می کنند: « کودک هنگامی اجتماعی می شود که توانایی ایجاد ارتباط با دیگران را پیدا کند و به مدد استفاده از گفتار بر آنان تاثیر گذارد و از آنان تاثیر پذیرد. این امر رفتاری را در برابر موضوعهای نامبرده ایجاب می کند که از لحاظ اجتماعی مورد قبول باشد. »

D : اصطلاح اجتماعی شدن عموماً "در ارتباط با کودکان به کار برده می شود، اما این فرایند در واقع عام است و به همین لحاظ بر بزرگسالان نیز قابل اطلاق است. شخص ممکن است در هر سنی با گروههای تازه آشنا شود و ارزشهای آنان را کسب کند. « (۱:۲۹)

### اجتماعی شدن در نظریه های عوامل گرا و تفسیر گرا:

مراحل اجتماعی شدن در هر مکتب و توجه و معرفی آژانسهای اجتماعی شدن در نظریه های فوق : « کاربرد واژه و مفهوم اجتماعی شدن را می توان به امیل دورکیم نسبت داد این مفهوم بی تردید در آثار جامعه شناختی آلمانی در پایان قرن نوزدهم - به ویژه در آثار گنورگ زیمل وجود دارد. اما در نوشته های این جامعه شناس فرانسوی است که به نظام پردازی نظری آن پرداخته می شود. به علاوه این اندیشه که در جامعه های مدرن، آموزش گاه تمام و کمال (در خدمت) اجتماعی شدن گشته

است ، به میراث دورکیم تعلق دارد . این میراث به ما توضیح می دهد که به علت افول نهادهای سنتی مانند دین و خانواده است که مدرسه در انتقال فرهنگ و تفاوت گذاری اجتماعی اهمیت یافته است و بر اهمیتش افزوده می گردد . اجتماعی ساختن یعنی هدایت و تغییر افراد ؛ یعنی تبدیل فردی غیراجتماعی به موجودی اجتماعی از رهگذر القای مقوله های فکری و نظامی از اندیشه ها ، باورها ، سنتها و ارزشهای اخلاقی ، حرفه ای یا طبقاتی که پاره ای از آنها تغییرناپذیراند و پاره ای دیگر برعکس ، همپای آموخته های جدید و تجربه ها و اوضاع زندگی دگرگون می شوند . چنین تعریفی مستلزم موارد زیر است : بررسی گذشته و آینده ی سرگذشت افراد ، برتری امر اجتماعی بر امر فردی ، کاربرد زور و فشار ، تقسیم قدرت و سرانجام هدفهایی مانند ادغام فرد در جماعت های عقیدتی یا شناختی . اما این تعریف مقاومت افراد یا شکست نهاد آموزشی در مهار اجتماعی آنان را نفی نمی کند و از این لحاظ پیوندی جدایی ناپذیر با فرایند گزینش دارد . اجتماعی شدن و گزینش دو روی واقعیتی واحدند . « (۲:۵۳) همانگونه که ذکر شد اجتماعی شدن برای نخستین بار بصورت یک اصطلاح معین جامعه شناختی در نوشته های دورکیم مطرح گردید . اما اگر نظریه های جامعه شناسی را به طور کلی در دو گروه عوامل گرا و تفسیر گرا در نظر بگیریم اجتماعی شدن در نزد هر گروه مفاهیم و تعاریف خاصی پیدا می کند . تفسیر گرایان برعکس عوامل گرایان که اجتماعی شدن را در یک مرحله در نظر می گیرند آن را در دو مرحله تعریف می کنند . به عنوان مثال هربرت بلومر اجتماعی شدن را شامل دو مرحله ی یادگیری Learning و اجتماعی شدن Socialization می داند ، اریک فروم نیز به یک مرحله ی پیش از اجتماعی شدن ( یا جامعه پذیری که بهتر است به جای آن جافتادن در جامعه گفت ) تحت عنوان Assimilation معتقد است . در نظر گیدنز نیز اجتماعی شدن متفاوت از جامعه پذیری است . او برای جامعه پذیری از واژه ی Sociation و برای اجتماعی شدن از Socialization استفاده می کنند . اما چه تفاوتی میان دیدگاههای این دو گروه وجود دارد ؟



از نظر عوامل گرایان و خصوصا "کارکردگرایان اجتماعی شدن ( در واقع اجتماعی کردن ) مجموعه ای از تمهیدات و اعمالی است که جامعه از طریق نهادهایی خاص طراحی و اجرا می کند تا فرد را در خدمت جامعه در آورده ، معرفت و رفتار او را با جامعه هماهنگ کند . در طی فرایند جامعه پذیری انسان کاملا" در قالبهای فرهنگی جامعه قرار گرفته و در واقع آن را می پذیرد . راهکار کلی جامعه برای اجتماعی کردن فرد از طریق ترغیب ، تشویق و تنبیه است و نهادهای خاصی چون نهادهای آموزشی حمایت و تشویق رفتارهای هماهنگ با جامعه و قوانین تنبیهی برای ممانعت از خروج انسان از هنجارهای اجتماعی، این فرایند را کنترل می کنند. این اعتقاد بنیادی که انسان ذاتا" شرور و متمایل به خروج از قواعد زندگی اجتماعی است بنیاد تشویقها و تنبیه ها را می سازد . از دیدگاه تفسیر گرایان ، اما ؛ انسان در طی مرحله ی اول رفتارها و هنجارها را می آموزد و سپس با تفهم و تفسیرگری در ذهن، آنها را می پذیرد یا تغییر داده به شیوه ی خاص خود در قالبها یا نقشهای اجتماعی موجود قرار می گیرد یا به شیوه ی خود، قالبها و نقشهای جدیدی را ساخته در آن قرار می گیرد . از این دیدگاه انسان توانایی تشخیص دارد و با آموختن رفتارهای اجتماعی بدلیل تشخیص درستی رفتار و سودآوری رفتارهای جمعی برای خودش آنها را درونی کرده به کنش اجتماعی می پردازد .

بلومر آژانسهای اجتماعی کننده را شامل شش آژانس ذکر می کند شامل (۱) خانواده و عمدتا" والدین (۲) دیگر مهم (۳) گروه همالان (۴) مدرسه و نهادهای رسمی آموزش و پرورش (۵) مجامع عمومی و مراکز گذران اوقات فراغت (۶) رسانه ها و دیگر نهادهای ارتباط جمعی

آنچه باید در طی فرایند اجتماعی شدن ، نهادینه در شخص یا درونی شود با نگاهی به اصول و مفاهیم مولفه ها و مثلث تبیین اجتماعی بهتر مشخص می شود (۴) در مثلث تبیین اجتماعی و منطبق بر اصل اول جامعه شناختی یعنی راهها و اهداف در قاعده ی مثلث نیازهای جمعی یا Collective Needs از طریق راههای مشترک Collective Means به اهداف جمعی یا مشترک یا توافقی

Collective Goals می رسند و در همه حال فرهنگ در راس مثلث ناظر و کنترل کننده ی این سه مفهوم است. آنچه در فرایند اجتماعی شدن، در هر جامعه ای در شخص درونی و نهادینه می گردد مفاهیم فرهنگی، تیاها و اهداف جامعه و خصوصا "راههای مجازی است که بر اثر توافق جمعی و فرهنگ ناظر بر فعالیتهای اجتماعی تعریف شده است. هنگامی که شخص تابع آژانسهای اجتماعی کننده قرار گیرد و این نهادها هماهنگ و بطور صحیح و کامل نقش خود را ایفا کنند شخص تمامی مفاهیم فوق را پذیرفته و آنها را همچون مفاهیم اولیه و تنها راههای ممکن درونی کرده و تنها در قالب آنها حرکت خواهد کرد. از دیدگاه تفسیر گرایی قوه ی تحیل و تفکر شخص در مرحله ی اجتماعی شدن فعالانه به تفهم و ارزیابی مفاهیم می پردازد و اجتماعی شدن فرایندی را تشکیل می دهد که شخص در عین پذیرش فرهنگی به خلاقیت و حرکت در قالب راههای مجاز و راههای جدید و ایجاد مفاهیم نو دست می زند و این حرکتهای تکامل اجتماعی را امکان پذیر می سازد. در نظریه ی سیستماتیک پارسونز در این مرحله راههای مجاز و تعریف شده از سوی جامعه و نظام فرهنگی جامعه از سوی شخص گزینش می گردند.

چه در نگاه عوامل گرایان و چه در نگاه تفسیر گرایان، آژانسها و نهادهای اجتماعی کننده نقشی بسیار مهم و غیر قابل تردید دارند. آنچه در نظریه ی مرتن ناهمنوایی نام می گیرد و به عدم پذیرش یکی از مفاهیم راهها یا اهداف مربوط می شود در نگاهی دقیق می تواند به عدم کارکرد کامل و درست نهادها و آژانسهای اجتماعی کننده، مربوط شود که از درونی کردن و جانداختن و یا تشریح و تبیین هدفمند و قابل پذیرش مفاهیم مشترک اجتماعی قاصر بوده اند.

از سوی دیگر تفکیک یافتگی که در پویایی شناسی جامعه خود را نشان می دهد و می تواند در نظام تقسیم کار متبلور شود فتنها در صورتی امکان پذیر است که افراد جامعه لااقل بخشی از مفاهیم

فرهنگی جامعه را بخوبی شناخته . آنها را درونی کنند . تنها در این صورت است که در عین انسجام اجتماعی اشخاص می توانند در عین احساس امنیت و اطمینان خاطر از ایفای نقش توسط دیگر اعضای جامعه و درست عمل کردن کلیت جامعه و اعتقاد به کارکردهای مناسب نهادهای اجتماعی به هر چه تخصصی تر شدن کار خود بیندیشند و به جای رفتن در پی سطح حداقل مورد نیاز از تخصصهای متعدد به سطح بالا در یک رشته بیندیشند و خود را از احساس نیاز به شناخت فنون و علوم متعدد بی نیاز احساس کنند . نهادها و آژانسهای اجتماعی کننده خصوصا " نهادهای رسمی فرهنگی همچون مدارس باید در نخستین قدم خود به این مفاهیم به طور کامل واقف و تا حدودی معتقد باشند . اما آنچه در دیالکتیک هم فراخوانی یا اصل سوم جامعه شناختی مطرح می گردد خصوصا " در بحث اجتماعی شدن ، درست عمل کردن و هماهنگی ، همراهی و همگامی تمامی آژانسهای اجتماعی کننده در جامعه است . تنها همراهی تمامی این عوامل است که می تواند سنتز مرکب ( شالوده ی درهم پیچیده و همراه عوامل متداخل در دیالکتیک هم فراخوانی یا Mutual Implication ) ایجاد کند و این مجموعه ی حاصل است که می واند انجام کامل و درست فرایند اجتماعی شدن را تضمین کرده از بار آسیبها و ناهنجاریهایی که عمدتا " از تخطی از قراردادها و فرهنگ جامعه پدید می آیند بکاهد . نخستین بارقه ها و آثار روان پریشی در رفتارهای افراد ضد اجتماع یا زیرپاگذارندگان قواعد اجتماعی اصولا " با پیشینه ای از کارکرد غلط آژانسهای اجتماعی کننده ، اعم از عملکرد غلط یک آژانس یا عدم هماهنگی در میان دو یا چند آژانس ، ظاهر می شود . توجه برنامه ریزی اجتماعی به این آژانسها و تشخیص به موقع اشتباهات احتمالی در عملکردها می تواند از میزان ناهنجاریهای آینده ی جامعه تا حد زیادی بکاهد .

## منابع:

۱ - گولد. جولوس - کولب . ویلیام - فرهنگ علوم اجتماعی - مترجم ( سرویراستار ) محمد جواد

زاهدی مازندرانی - انتشارات مازیار چاپ اول ۱۳۷۶

۲ - شرکاوی .محمد - درآمدی بر جامعه شناسی آموزش و پرورش - ترجمه ی محمد جعفر پوینده

انتشارات نقش جهان - چاپ اول ۱۳۷۹

۳ - ابوالحسن تنهایی . حسین - درآمدی بر نظریه ها و مکاتب جامعه شناسی - نشر مرنديز - چاپ

چهارم ۱۳۷۹

۴ - ابوالحسن تنهایی . حسین - جامعه شناسی نظری - نشر بهمن برنا - چاپ اول ۱۳۸۲

<http://www.fasleno.com>

<http://daneshnameh.roshd.ir>